

خلط مراتب گوناگون آگاهی و سکولاریزه شدن متون مقدس^۱

بیژن عبدالکریمی^۲

چکیده

متون مقدسی چون قرآن با دیگر متون غیرقدسی و عرفی چه تفاوت یا تفاوت‌هایی اساسی دارند؟ متون مقدس، چرا مقدس تلقی می‌شوند؟ آیا تقدس قائل شدن برای برخی از متون، امری اجتماعی و فرهنگی، یعنی حاصل پاره‌ای دلایل اجتماعی و تاریخی است؛ به این معنا که متون مقدس صرفاً در محدوده جغرافیایی و فرهنگی خویش مقدس‌اند و در خارج از محدوده‌های ایمانی خویش، دیگر مقدس نیستند؛ یعنی تورات فقط برای یهودیان و اناجیل صرفاً برای مسیحیان و قرآن فقط برای مسلمانان مقدس و... است و این متون برای مؤمنان به دیگر ادیان، دیگر قدسیتی نداشته، فاقد هرگونه قداستی هستند؟ به این ترتیب، آیا باید پذیرفت که قدسی بودن متون مقدس امری ذهنی (سوبژکتیو) و روان‌شناختی (سایکولوژیک)، یعنی ساخته و پرداخته روان‌شناسی افراد است؛ لذا باید گفت «این متن برای این فرد خاص، مقدس است و می‌تواند برای دیگری مقدس نباشد؟ معنای این سخن اخیر این است که این فرد و روان‌شناسی او، یعنی تلقین‌ها، تربیت دوران کودکی، قرارگرفتن در نظام تعلیم و تربیتی خاص و دیگر عوامل روان‌شناختی فرد است که سبب می‌گردد که یک متن مقدس تلقی شود؛ در صورتی که نمی‌توان از قدسی بودن فی‌نفسه متون مقدس سخن گفت؟ آیا در این صورت فرد حق ندارد هر متنی را بنا به پاره‌ای دلایل اجتماعی یا روان‌شناختی، مقدس یا نامقدس تلقی کند؟

به‌راستی مقدس بودن متن مقدس به چه معناست؟ قدسیت متون مقدس قائم به چیست و چه چیز قدسیت متون مقدس را قوام می‌بخشد؟ آیا ما باید از «متن مقدس» سخن بگوییم یا از «متون مقدس»؟ اگر بتوان از متون مقدس سخن گفت، قدسیت و وجه مشترک این متون متفاوت را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ تفاوت متون مقدس به چه چیز یا چیزهایی است؟ متون مقدس در میان مؤمنان به ادیان، «متون آسمانی» خوانده می‌شوند. اما به‌راستی، مراد از متون آسمانی چیست؟ آیا صفت «آسمانی» در تعبیر «متون آسمانی» تعبیری حقیقی است یا مجازی؟ اگر این تعبیر به مجاز به کار می‌رود، این مجاز، اشاره به کدامین «حقیقت» دارد؟

^۱. برگرفته از ارائه استاد در روز کنفرانس.

^۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران - شمال.

این‌ها پرسش‌هایی است که بدون اندیشیدن بدان‌ها در افق و سپهری روشن نمی‌توان به مواجهه‌ای درست با این متون نایل شد و چه بسا چه بسیاری از روش‌های تفسیری از این متون به مواجهه‌ای نادرست و انتظارات و استنتاج‌هایی نادرست‌تر از این متون بینجامد.

به اعتقاد نگارنده مقاله، عدم‌توجه به وجود مراتب گوناگون وجودشناختی و به دنبال آن، عدم‌توجه به مراتب گوناگون معرفت‌شناختی و عدم‌توجه به وجود مراتب گوناگون در مرتبه هستی‌انسانی و خلط این مراتب، منجر به روش‌های تفسیری نادرست، به ظهور انتظاراتی نابه‌جا و نامعقول از متون مقدس و در نتیجه، عرفی، ناسوتی و سکولاریزه شدن آن‌ها می‌انجامد.

کلیدواژگان: متن مقدس، امر ذهنی، روان‌شناختی، روش تفسیر، معرفت‌شناختی